

## عنوان مقاله:

آرش سیاوش کسرابی و میدان ادبی ایران

## محل انتشار:

فصلنامه نقد ادبی، دوره 7، شماره 26 (سال: 1393)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

## نویسندگان:

وحید رویانی - *assistant professor golestan university*

منصور حاتمی نژاد - *دانشگاه گلستان*

## خلاصه مقاله:

پیر بوردیو شیوه نوینی برای تحلیل متن در جامعه شناسی ادبیات دارد. به نظر او هر فرد در طول زندگی خود با میدان های متفاوت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی درگیر است و حرکت هایی که در درون این میدان ها رخ می دهد، آگاهانه و ناآگاهانه بر زندگی او تاثیر می گذارند. یکی از این میدان ها، میدان ادبی است. بر اساس اصول بوردیو اثر ادبی هرچند متأثر از میدان های گوناگونی است که نویسنده و خواننده به عنوان تولیدکنندگان معنا با آن درگیرند، اما یک متن زمانی ارزش ادبی می یابد که بیشترین وابستگی را به میدان تولید ادبی داشته باشد و چون درونی ترین مساله در میدان ادبی فرم آن است، به میزانی که یک اثر فرم مدارتر باشد و با سایر میدان ها ارتباط کمتری داشته باشد از ارزش بیشتری برخوردار است. حماسه آرش کمانگیر سیاوش کسرابی نخستین و معروفترین بازآفرینی این اسطوره در میدان ادبی ایران است، تحلیل این منظومه به شیوه بوردیو نشان می دهد چون این منظومه از اصل بی غرضی تبعیت نمی کند، در بسیاری بخش ها به سمت سایر میدان ها لغزیده و از ارزش ادبی آن کاسته شده است. در این بخش ها کلمات و مضامینی وارد شده که بیش از آنکه توانایی ایجاد یک فضای جدید را داشته باشند همچون عنصری زاید در شعر ظاهر شده و اثر را از ناب بودن محروم کرده اند، کلماتی چون خلق و توده و مضامینی چون ستایش کار و زندگی در کنار حذف عناصر متافیزیکی و قوم پرستانه نشان دهنده تاثیر میدان مارکسیستی در این اثر می باشد.

## کلمات کلیدی:

Arash kamangir, Siavash Kasraei, Bourdieu, Marxism, آرش کمانگیر, سیاوش کسرابی,

بوردیو, مارکسیسم

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1836242>

